

## بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ابعاد شخصیت

محمدعلی پشارت

دانشیار دانشگاه تهران

کیومرث کریمی

کارشناس ارشد روان شناسی - دانشگاه تهران

عباس رحیمی نژاد

استادیار دانشگاه تهران

### چکیده

تاریخ دریافت ۱۳۸۴/۸/۱۴

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) و ابعاد شخصیت (نوروزگرایی، برونگرایی، تجربه‌پذیری، همسازی، وظیفه‌شناسی) بود. دوپست و سی و سه دانشجوی دانشگاه تهران (۱۰۲ پسر، ۱۳۱ دختر) با پرکردن مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI) و مقیاس شخصیت پنج عاملی (NEO-FFI) در این پژوهش شرکت کردند. نتایج پژوهش حاضر به عنوان پژوهشی توصیفی نشان داد که: بین سبک دلبستگی ایمن با برونگرایی و همسازی همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد، بین سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و نوروزگرایی همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد، بین سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و برونگرایی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد، بین سبک دلبستگی دوسوگرا و وظیفه‌شناسی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد، بین سبک دلبستگی دوسوگرا و وظیفه‌شناسی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد، بین سبک دلبستگی اجتنابی و همسازی همبستگی منفی معنی‌دار وجود دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های درون‌نگاری ایمن و ناایمن از خود و دیگران، که در چهارچوب روابط دلبستگی نوزاد-مادر تشکیل می‌شوند، شکل‌گیری صفات شخصیت را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

کلید واژه‌ها: دلبستگی، شخصیت، مدل پنج عاملی (NEO)

## مقدمه

نظریه دلبستگی<sup>۱</sup> توسط بالبی<sup>۲</sup> در یک مجموعه سه جلدی با عنوان دلبستگی و فقدان<sup>۳</sup> مطرح شد (بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰). آزمونهای تجربی این نظریه ابتدا بوسیله اینزورث<sup>۴</sup>، بلهار<sup>۵</sup>، واترز<sup>۶</sup> و وال<sup>۷</sup> (۱۹۷۸) در مطالعات دلبستگی مادر- نوزاد انجام شد. طبق نظریه تکامل<sup>۸</sup>، انسان به تعدادی سیستم رفتاری<sup>۹</sup> مجهز شده است که شانس بقا و تولید مثل وی را افزایش می دهند. از این سیستم ها می توان سیستم اکتشافی<sup>۱۰</sup>، سیستم مراقبتی<sup>۱۱</sup>، سیستم جفت گیری جنسی<sup>۱۲</sup> و سیستم دلبستگی<sup>۱۳</sup> را نام برد. در نوزادی دلبستگی عاطفی نسبت به یک یا چند نفر از مراقبان برای تأمین حمایت، حفاظت و امنیت شکل می گیرد. وقتی موضوع دلبستگی (مادر) به اندازه کافی پاسخگو و حمایت کننده باشد، آنچه که نظریه دلبستگی از آن تحت عنوان مدل های درونکاری مثبت<sup>۱۴</sup> از خود و دیگران نام می برد در فرد شکل می گیرد. وقتی موضوع دلبستگی غیر پاسخگو و غیر حساس باشد مدل درونکاری منفی<sup>۱۵</sup> از خود و دیگران در نوزاد تشکیل می شود (لیدن<sup>۱۶</sup> و شری<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۱). این مدل های درونکاری شکل گیری و حفظ روابط نزدیک را در ادامه زندگی فرد تحت تأثیر قرار می دهند. طبق نظر بالبی (۱۹۷۹)، دلبستگی بخش جدائی ناپذیر رفتار انسان از گهواره تا گور است. هازن<sup>۱۸</sup> و شیور<sup>۱۹</sup> براساس طبقه بندی اینزورث از سبک های دلبستگی<sup>۲۰</sup> که از مطالعات موقعیت ناآشنا<sup>۲۱</sup> در نوزادان یک ساله

<sup>۱</sup>. attachment theory

<sup>۲</sup>. Bowlby

<sup>۳</sup>. Attachment and Loss

<sup>۴</sup>. Ainsworth

<sup>۵</sup>. Blehar

<sup>۶</sup>. Waters

<sup>۷</sup>. Wall

<sup>۸</sup>. evolution theory

<sup>۹</sup>. behavior system

<sup>۱۰</sup>. exploratory system

<sup>۱۱</sup>. caregiving system

<sup>۱۲</sup>. sexual mating system

<sup>۱۳</sup>. attachment system

<sup>۱۴</sup>. positive internal working models

<sup>۱۵</sup>. negative internal working models

<sup>۱۶</sup>. Lyddon

<sup>۱۷</sup>. Sherry

<sup>۱۸</sup>. Hazan

<sup>۱۹</sup>. Shaver

<sup>۲۰</sup>. attachment styles

<sup>۲۱</sup>. strange situation

بدست آمد (اینزورث و همکاران، ۱۹۷۸) و همچنین براساس مشاهدات و تحقیقات متعدد، سه سبک دلبستگی بزرگسالی را که ادامه کیفیت روابط کودکی است شناسایی کردند: سبک دلبستگی ایمن<sup>۱</sup>، سبک دلبستگی اجتنابی<sup>۲</sup> و سبک دلبستگی دوسوگرا<sup>۳</sup>. اما چه تغییرهایی با سبک دلبستگی رابطه دارند؟ شناسایی این متغیرها به درک بهتر دلبستگی کمک می کند. نظر به ماهیت دلبستگی، پژوهشهایی که تا به امروز در مورد سبک های دلبستگی انجام شده است روی متغیرهای رابطه ای مثل کیفیت روابط صمیمی و سبک دوست داشتن متمرکز بوده است و خصیصه های شخصیتی به عنوان همبسته های سبک های دلبستگی بزرگسالی کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. از این رو در پژوهش حاضر رابطه بین سبک های دلبستگی و ابعاد شخصیت در مدل پنج عاملی بررسی می شود.

کاستا<sup>۴</sup> و مک کری<sup>۵</sup> (۱۹۹۲) با استفاده از روش تحلیل عوامل<sup>۶</sup>، مدل پنج عاملی شخصیت را ارائه کردند. این پنج عامل عبارتند از: نوروزگرایی<sup>۷</sup>، برونگرایی<sup>۸</sup>، تجربه پذیری<sup>۹</sup>، همسازی<sup>۱۰</sup> و وظیفه شناسی<sup>۱۱</sup>. مدافعان مدل پنج عاملی شخصیت تلاشهای خود را به مطالعه شخصیت در بزرگسالی معطوف کرده اند و پاسخگویی به عواملی را که در تکوین ساختار پنج عاملی نقش داشته اند به روانشناسان رشد واگذار نموده اند (پروین<sup>۱۲</sup> و جان<sup>۱۳</sup>، ۱۳۸۱).

مک کری و کاستا (۱۹۹۹) الگویی نظری را برای تبیین الگوی پنج عاملی تنظیم کردند و آن را نظریه پنج عاملی<sup>۱۴</sup> خواندند. از نقطه نظر آنها این پنج عامل تمايلات ذاتی هستند و زمینه زیستی دارند، یعنی تغییرات رفتاری مربوط به پنج عامل اصلی به ساختار ژن ها، ساختار مغز و عواملی از این قبیل مربوط می شود (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). جدیدترین پژوهش

<sup>۱</sup> secure attachment style

<sup>۲</sup> avoidant attachment style

<sup>۳</sup> ambivalent attachment style

<sup>۴</sup> Costa

<sup>۵</sup> McCrae

<sup>۶</sup> factor analysis

<sup>۷</sup> neuroticism

<sup>۸</sup> extraversion

<sup>۹</sup> openness

<sup>۱۰</sup> agreeableness

<sup>۱۱</sup> consciousness

<sup>۱۲</sup> Pervin

<sup>۱۳</sup> John

<sup>۱۴</sup> five factor theory

هایی که در زمینه مدل پنج عاملی صورت گرفته‌اند این مسئله را عنوان می‌کنند که تأثیرات محیطی بر روی پنج عامل شخصیتی تأثیر گذار است. به عنوان مثال، در مطالعاتی که از روش های پیشرفته علمی مثل دوقلوها و فرزند خواندگی استفاده کرده‌اند تأثیر ژنتیک فقط ۵۰ درصد واریانس را تبیین کرده است (استندروف<sup>۱</sup> و ون آکن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

احتمالاً می‌توان گفت که مزاج<sup>۳</sup> اولیه مثل اجتماعی بودن، فعال بودن و هیجانی بودن پس از رشد به ابعادی تبدیل می‌شود که ما آنها را تحت عناوینی چون برونگرایی و نوروژگرایی می‌شناسیم (باس<sup>۴</sup> و پلامین<sup>۵</sup>، ۱۹۸۴؛ کاسپی<sup>۶</sup> و رابرتز<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹؛ مک کری و کاستا، ۱۹۹۷؛ دلوکیو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰؛ به نقل از پروین و جان، ۱۳۸۱). اما چه عواملی در رشد این خصوصیات مزاجی اولیه نقش دارد؟ در این میان سبک دلبستگی می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در شکل‌گیری ساختار پنج عامل اصلی شخصیت مؤثر باشد (گلداسمیت<sup>۹</sup> و آلتسکی<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۷).

رابطه بین پنج عامل اصلی شخصیت و سبک‌های دلبستگی از زاویه ای دیگر نیز قابل بررسی است. در یک سری مطالعه، مک کری، کاستا و بوش<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۶) نشان دادند که بسیاری از سازه‌های شخصیتی می‌توانند به ترکیبی از پنج بعد اصلی کاهش پیدا کنند. این مسئله چالشی را پیش روی مقیاسهای مربوط به تفاوت‌های فردی قرار می‌دهد. چنین مقیاسهایی باید در صورت امکان در نقشه‌ای که بوسیله پنج عامل اصلی ایجاد شده است قرار گیرند (شیور و برنان<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۲). بنابراین اگر سبک دلبستگی را به عنوان یک سازه تفاوت فردی در نظر بگیریم این فرض مطرح می‌شود که سبک‌های دلبستگی مثل سایر سازه‌های تفاوت‌های فردی واریانس مشترکی را با ابعاد پنج عامل اصلی شخصیت داشته باشد.

<sup>۱</sup>. Asendorpf

<sup>۲</sup>. Van Aken

<sup>۳</sup>. temperament

<sup>۴</sup>. Buss

<sup>۵</sup>. Plomin

<sup>۶</sup>. Caspi

<sup>۷</sup>. Roberts

<sup>۸</sup>. Delvechio

<sup>۹</sup>. Goldsmith

<sup>۱۰</sup>. Alansky

<sup>۱۱</sup>. Busch

<sup>۱۲</sup>. Brennan

بیشتر پژوهش هایی که در مورد رابطه سک های دل بستگی و شخصیت انجام شده اند بر روی یک یا دو جنبه خصیصه ای شخصیت تمرکز کرده اند و تنها یک پژوهش در زمینه رابطه سک های دل بستگی و پنج عامل اصلی شخصیت انجام شده است (شیور و برنان، ۱۹۹۲). در ایران در زمینه رابطه بین پنج عامل اصلی شخصیت و سک های دل بستگی پژوهشی صورت نگرفته است و چگونگی این رابطه هنوز مشخص نیست. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که چه رابطه ای بین سک های دل بستگی و پنج عامل اصلی شخصیت وجود دارد؟ متغیرهای مورد بررسی پژوهش عبارتند از دل بستگی در دو سطح ایمن و نایمن و ابعاد شخصیت شامل برونگرایی، نوروگرایی، تجربه پذیری، همسازی و وظیفه شناسی. در این پژوهش که توصیفی و از نوع مطالعات هم بستگی محسوب می شود، فرضیه های زیر آزمون می شوند:

- ۱- بین سک دل بستگی ایمن و بعد برونگرایی دانشجویان هم بستگی مثبت وجود دارد.
  - ۲- بین سک دل بستگی ایمن و بعد همسازی دانشجویان هم بستگی مثبت وجود دارد.
  - ۳- بین سک های دل بستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و بعد نوروگرایی دانشجویان هم بستگی مثبت وجود دارد.
  - ۴- بین سک های دل بستگی نا ایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و بعد برونگرایی دانشجویان هم بستگی منفی وجود دارد.
- به دلیل محدودیت پیشینه پژوهش در زمینه رابطه سک های دل بستگی و ابعاد شخصیت، در مورد سایر ابعاد شخصیت به جای تدوین فرضیه، سوال های زیر مطرح و بررسی شدند:
- یک- آیا بین سک های دل بستگی و بعد همسازی رابطه وجود دارد؟
- دو- آیا بین سک های دل بستگی و بعد وظیفه شناسی هم بستگی وجود دارد؟

### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

مجموع دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تهران که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ مشغول به تحصیل بودند جامعه آماری پژوهش را تشکیل می دادند. نمونه مورد بررسی در این پژوهش بر اساس جدول کرجسی<sup>۱</sup> و مورگان<sup>۲</sup> (۱۹۷۰)، تعداد ۲۳۳ دانشجو (۱۰۲ پسر، ۱۳۱ دختر) بودند که به صورت تصادفی چند مرحله ای به شرح زیر انتخاب شدند. در

<sup>۱</sup>. Kerjcis

<sup>۲</sup>. Morgan

مرحله نخست از میان ۱۸ دانشکده دانشگاه تهران ۶ دانشکده انتخاب شد. سپس از هر دانشکده دو گروه آموزشی و از هر گروه آموزشی دو کلاس انتخاب شد و مورد پژوهش قرار گرفت.

پس از اینکه شرکت کنندگان در جریان اهداف کلی پژوهش قرار گرفتند، مقیاس سبک دلبستگی بزرگسال و مقیاس شخصیت پنج عاملی NEO-FFI به منظور اجرا در کلاس در اختیار آنان قرار گرفت و از آزمودنی ها خواسته شد که پرسشنامه ها را تکمیل کنند. اجرای پژوهش به صورت گروهی صورت گرفت. پاسخ دادن به پرسشنامه ها به طور متوسط بیست دقیقه طول کشید. میانگین سنی آزمودنی های مرد ۲۱/۸۸ سال ( $SD = ۲/۴۹$ ؛ دامنه = ۱۸-۳۵) و میانگین سنی آزمودنی های زن ۲۰/۸۹ سال ( $SD = ۲/۴۰$ ؛ دامنه = ۱۸-۲۹) بود.

#### ابزار سنجش

مقیاس دلبستگی بزرگسال - سبک دلبستگی آزمودنی ها در این پژوهش با استفاده از مقیاس دلبستگی بزرگسال تعیین شد. این مقیاس که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، یک پرسشنامه دو قسمتی می باشد. در قسمت اول سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا بر حسب ۲۱ سوال در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (هیچ=۱؛ کم=۲؛ متوسط=۳؛ خیلی زیاد=۵) از هم متمایز می شوند. ضریب آلفای کرونباخ پرسشهای هر یک از زیرمقیاسهای ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی ( $n=۲۴۰$ ؛ بشارت، ۱۳۷۹) برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲، ۰/۷۲؛ برای دانشجویان دختر ۰/۷۴، ۰/۷۱، ۰/۶۹؛ و برای دانشجویان پسر ۰/۷۳، ۰/۷۱، ۰/۷۲ بود که نشانه همسانی درونی<sup>۱</sup> مقیاس دلبستگی بزرگسال می باشد. در قسمت دوم، آزمودنی با انتخاب یک گزینه از سه گزینه ای که سه نوع دلبستگی را توصیف می کنند، سبک دلبستگی خود را مشخص می کند. ضریب همبستگی بین نمره های آزمودنیها در دو قسمت پرسشنامه برای آزمودنیهای دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۷ بود. ضریب پایایی بازآزمایی<sup>۲</sup> مقیاس دلبستگی بزرگسال برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با

<sup>۱</sup> Internal consistency

<sup>۲</sup> Test - retest reliability

فاصله ۲ هفته برای کل آزمودنی ها  $r = 0/92$ ؛ آزمودنی های پسر  $r = 0/93$ ؛ و آزمودنی های دختر  $r = 0/90$  محاسبه شد.

اعتبار محتوایی<sup>۱</sup> مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های چهار نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج به دست آمده، ضرایب همبستگی از  $0/73$  تا  $0/76$  برای سبک دلبستگی ایمن، از  $0/60$  تا  $0/76$  برای سبک دلبستگی اجتنابی و از  $0/63$  تا  $0/87$  برای سبک دلبستگی دوسوگرا محاسبه شد که همه در سطح  $\alpha = 0/05$  و  $\alpha = 0/01$  معنی‌دار هستند.

اعتبار همزمان<sup>۲</sup> مقیاس دلبستگی بزرگسال با مقایسه نتایج آزمون عزت نفس کوپراسمیت<sup>۳</sup> (۱۹۶۷) بررسی شد. ضرایب همبستگی بین نمره کلی آزمودنیها در آزمون عزت نفس با سبک دلبستگی نشان دهنده همبستگی مثبت معنی‌دار سبک دلبستگی ایمن با عزت نفس عمومی ( $r = 0/39$  و  $p = 0/002$ )، عزت نفس تحصیلی ( $r = 0/02$  و  $p = 0/002$ )، عزت نفس خانوادگی ( $r = 0/39$  و  $p = 0/002$ ) و عزت نفس اجتماعی ( $r = 0/41$  و  $p = 0/001$ ) بود. این ضرایب برای آزمودنی های دختر و پسر به تفکیک نیز در سطح  $\alpha = 0/01$  معنی‌دار بود. ضرایب همبستگی بین نمره آزمودنیها در همه زیرمقیاس های عزت نفس با سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی ها، آزمودنی های دختر و آزمودنی های پسر منفی اما از نظر آماری معنی‌دار نبودند.

#### مقیاس شخصیتی NEOPI-R- این مقیاس یک آزمون ۲۴۳ سوالی است که ۲۴۰

سوال آن پنج عامل اصلی شخصیت شامل نوروگرایی، برون گرایی، تجربه پذیری، همسازی و وظیفه شناسی را می سنجد و ۳ سوال پایانی اعتبار اجرایی آزمون را تعیین می کند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). هر یک از ابعاد یا عوامل اصلی این مقیاس با بررسی شش زیر مقیاس یا عامل فرعی امکان بررسی گسترده ویژگی های شخصیت را فراهم می سازد. پژوهش های متعدد، پایایی<sup>۴</sup> و اعتبار<sup>۵</sup> مقیاس

<sup>۱</sup> content validity

<sup>۲</sup> concurrent validity

<sup>۳</sup> Coopersmith Self-Esteem Inventory

<sup>۴</sup> reliability

<sup>۵</sup> validity

شخصیتی NEOPI-R را مورد تأیید قرار داده اند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). در یک پژوهش طولی ۷ ساله، ضرایب پایایی ۰/۵۱ تا ۰/۸۲ برای هجده زیرمقیاس ابعاد نوروگرای، برون گرایی و تجربه پذیری، و ضرایب پایایی ۰/۶۳ تا ۰/۸۱ برای پنج عامل اصلی در مردان و زنان به دست آمد (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). مطالعات انجام شده در مورد ویژگی های روانسنجی این مقیاس در نمونه های ایرانی (حق شناس، ۱۳۷۸، گروسی فرشی، ۱۳۷۷) ضرایب پایایی ابعاد اصلی آزمون را از ۰/۵۳ تا ۰/۸۷ گزارش کرده اند. در این پژوهش از فرم کوتاه این مقیاس (NEO-FFI) که ۶۰ سؤال دارد استفاده شده است. فرم ۶۰ سؤالی مقیاس شخصیتی NEO در مورد دانشجویان علوم انسانی دانشگاه های تهران هنجاریابی شده است (کیامهر، ۱۳۸۱).

## نتایج پژوهش

جدول شماره ۱ شاخص های آماری آزمودنی ها را در مورد نمره های سبک های دلبستگی و ابعاد شخصیت نشان می دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمره های دانشجویان بر حسب سبک های دلبستگی و ابعاد شخصیت

گروه و شاخص متغیر	دانشجویان میانگین	دختر انحراف معیار	دانشجویان میانگین	پسر انحراف معیار	کل میانگین	انحراف معیار
سبک دلبستگی ایمن	۲۱/۷۹	۳/۶۷	۲۱/۹۵	۳/۹۷	۲۱/۸۶	۳/۷۹
سبک دلبستگی اجتنابی	۱۸/۸۸	۳/۵۹	۱۹/۲۶	۳/۸۸	۱۹/۱۳	۳/۷۲
سبک دلبستگی دوسوگرا	۱۹/۲۷	۳/۹۷	۲۰/۹۴	۵/۳۱	۲۰/۰۰	۵/۱۷
نوروگرای	۳۲/۱۲	۶/۶۳	۳۲/۲۵	۷/۶۰	۳۲/۶۲	۷/۰۸
برون گرایی	۲۲/۱۴	۶/۸۳	۳۸/۶۶	۷/۲۸	۲۰/۶۱	۷/۱۷
تجربه پذیری	۲۰/۸۵	۵/۱۶	۳۹/۴۷	۴/۸۰	۲۰/۲۲	۵/۰۴
همسازی	۴۴/۴۱	۶/۸۲	۴۱/۷۱	۶/۴۷	۴۳/۲۳	۶/۷۹
وظیفه شناسی	۲۵/۱۱	۷/۰۶	۴۱/۴۶	۷/۹۸	۴۳/۵۲	۷/۶۸

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره سبک دلستگی ایمن با برونگرایی ( $r=0/30$ )، همسازی ( $r=0/27$ ) و وظیفه شناسی ( $r=0/21$ )؛ بین نمره سبک دلستگی اجتنابی با نوروگرایی ( $r=0/29$ )، برون گرایی ( $r=-0/43$ )، تجربه پذیری ( $r=-0/16$ )، همسازی ( $r=-0/41$ ) و وظیفه شناسی ( $r=-0/29$ ) و بین نمره سبک دلستگی دوسوگرا یا نوروگرایی ( $r=0/38$ )، برون گرایی ( $r=-0/15$ )، همسازی ( $r=-0/18$ ) و وظیفه شناسی ( $r=0/15$ ) همبستگی معنی دار وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون بین سبک های دلستگی و

## ابعاد شخصیت دانشجویان

ابعاد شخصیت سبک دلستگی	نوروگرایی	برونگرایی	تجربه پذیری	همسازی	وظیفه شناسی
ایمن	-0/100	0/302**	0/122	0/271**	0/215**
اجتنابی	0/296**	-0/435**	-0/163*	-0/411**	-0/299**
دوسوگرا	0/382**	-0/155**	-0/027	-0/181**	-0/159*

\* $P \leq 0/05$ \*\* $P \leq 0/01$ 

سپس رابطه سبک های دلستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به عنوان متغیرهای پیش بین و ابعاد شخصیت به عنوان متغیرهای ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون بین نوروگرایی با سبک های دلستگی در جدول ۳ ارائه شده است. بر اساس این نتایج، میزان F مشاهده شده معنی دار است ( $P < 0/001$ ) و ۱۹٪ واریانس مربوط به نوروگرایی به وسیله سبک های دلستگی تبیین می شود ( $R^2 = 0/19$ ). ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش بین نشان می دهند که سبک های دلستگی می توانند واریانس متغیر نوروگرایی دانشجویان را به صورت معنی دار تبیین کنند. ضرایب تاثیر سبک دلستگی اجتنابی ( $B = 0/368$ ) و سبک دلستگی دوسوگرا ( $B = 0/469$ ) با توجه به آماره های F نشان می دهند که این دو متغیر با اطمینان ۹۹٪ می توانند تغییرات

مربوط به متغیر نوروزگرایی را پیش بینی کنند؛ یعنی افزایش سطوح سبک های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا باعث افزایش نوروزگرایی می شود. این نتایج فرضیه سوم پژوهش را تایید می کنند.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون نوروزگرایی بر سبک های دلبستگی دانشجویان

SE	R <sup>2</sup>	R	P	F	Ms	Df	SS	شاخص مدل
۶/۴۰	۰/۱۹۲	۰/۴۲	۰/۰۰۱	۱۸/۳۱۸	۷۴۹/۶۷۹	۳	۲۲۴۹/۰۲۷	رگرسیون
					۴۰/۹۲۶	۲۲۹	۹۳۷۱/۹۶۷	باقی مانده
P	t	Beta	SEB	B	شاخص	متغیر		
۰/۵۱۱	-۰/۶۵۹	-۰/۰۲۶	۰/۱۳۰	۸/۵۴۹		سبک دلبستگی ایمن		
۰/۰۰۷	۲/۷۲۰	۰/۱۹۲	۰/۱۳۵	۰/۳۶۸		سبک دلبستگی اجتنابی		
۰/۰۰۱	۵/۴۳۲	۰/۳۴۲	۰/۰۸۶	۰/۴۶۹		سبک دلبستگی دوسوگرا		

نتایج تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون بین برون گرایی با سبک های دلبستگی در جدول ۴ ارائه شده است. طبق این نتایج، میزان  $F$  مشاهده شده معنی دار است ( $P < ۰/۰۰۱$ ) و  $۲۰\%$  واریانس مربوط به برون گرایی به وسیله سبک های دلبستگی تبیین می شود ( $R^2 = ۰/۲۰$ ). ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش بین نشان می دهند که دو سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی می توانند واریانس متغیر برونگرایی دانشجویان را به صورت معنی دار تبیین کنند. ضرایب تاثیر سبک دلبستگی ایمن ( $B = ۰/۲۸۳$ ) و سبک دلبستگی اجتنابی ( $B = -۰/۱۶۶۰$ ) با توجه به آماره های  $F$  نشان می دهد که این دو متغیر به ترتیب با اطمینان  $۹۵\%$  و  $۹۹\%$  می توانند تغییرات مربوط به متغیر برونگرایی را پیش بینی کنند؛ یعنی افزایش سطح سبک دلبستگی ایمن باعث افزایش برونگرایی و افزایش سطح سبک دلبستگی اجتنابی باعث کاهش برونگرایی می شود. این نتایج فرضیه اول پژوهش را به طور کلی و فرضیه چهارم پژوهش را تنها در مورد سبک دلبستگی اجتنابی تایید می کند.

جدول ۴ خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون

برون گرایی بر سبک های دل بستگی دانشجویان

SE	R <sup>2</sup>	R	P	F	Ms	Df	SS	شاخص مدل
۶/۲۲	۰/۲۰۸	۰/۴۵۶	۰/۰۰۱	۲۰/۰۸۱	۸۲۸/۱۹۸	۳	۲۲۸۲/۵۹۲	رگرسیون
					۲۱/۲۳۳	۲۲۹	۹۴۲۲/۶۲۲	باقیمانده

  

P	t	Beta	SEB	B	شاخص متغیر
۰/۰۰۳۱	۲/۱۷۶	۰/۱۵۰	۰/۱۳۰	۰/۲۸۳	سبک دل بستگی ایمن
۰/۰۰۰۱	۴/۸۶۲	۰/۳۲۳	۰/۱۳۶	۰/۴۶۰	سبک دل بستگی اجتنابی
۰/۰۵۰	۱/۲۲۵	۰/۰۹۰	۰/۰۸۷	۰/۱۲۵	سبک دل بستگی دوستی

نتایج تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون بین تجربه پذیری با سبک های دل بستگی نشان داد که میزان F مشاهده شده معنی دار نیست ( $P < ۰/۰۷۷$ ) و سبک های دل بستگی نمی توانند واریانس مربوط به تجربه پذیری را تبیین کنند.

نتایج تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون بین همسازی با سبک های دل بستگی در جدول ۵ ارائه شده است. طبق این نتایج، میزان F مشاهده شده معنی دار است ( $P < ۰/۰۰۱$ ) و ۱۹٪ واریانس مربوط به همسازی به وسیله سبک های دل بستگی تبیین می شود ( $R^2 = ۰/۱۹$ ). ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش بین نشان می دهند که تنها سبک دل بستگی اجتنابی می تواند واریانس متغیر همسازی دانشجویان را به صورت معنی دار تبیین کند. ضریب تاثیر سبک دل بستگی اجتنابی ( $B = ۰/۵۸۵$ ) با توجه به آماره t نشان می دهد که این متغیر با اطمینان ۹۹٪ می تواند تغییرات مربوط به متغیر همسازی را پیش بینی کند؛ یعنی افزایش سطح سبک دل بستگی اجتنابی باعث کاهش سطح همسازی می شود. این یافته ها به منزله پاسخ مثبت به سوال اول پژوهش در مورد رابطه سبک دل بستگی اجتنابی با همسازی است.

جدول ۵. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون همسازي بر سبک‌های دل‌بستگی دانشجویان

SE	R <sup>2</sup>	R	P	F	Ms	Df	SS	شاخص مدل
۶/۱۵	۰/۱۹	۰/۴۳۶	۱/۰۰۱	۱۷/۸۷۳	۶۷۶/۶۱۷	۳	۲۰۲۹/۸۵۲	رگرسیون
					۳۷۸/۸۵۶	۲۲۹	۸۶۶۹/۰۹۲	باقیمانده

  

P	t	Beta	SEB	B	شاخص متغیر
۰/۰۵۷	۱/۹۹۱	۰/۱۲۳	۰/۱۲۵	۰/۱۳۸	سبک دل‌بستگی ایمن
۰/۰۰۱	-۴/۴۹۳	-۰/۳۲۱	۰/۱۳۰	-۰/۵۸۵	سبک دل‌بستگی اجتنابی
۰/۰۵۹	-۱/۸۹۵	-۰/۱۲۰	۰/۰۸۳	-۰/۱۵۷	سبک دل‌بستگی دوسوگرا

نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین وظیفه‌شناسی با سبک‌های دل‌بستگی در جدول ۶ ارائه شده است. بر اساس این نتایج، میزان  $F$  مشاهده شده معنی‌دار است ( $P < ۰/۰۰۱$ ) و ۱۱٪ واریانس مربوط به وظیفه‌شناسی به وسیله سبک‌های دل‌بستگی تبیین می‌شود ( $R^2 = ۰/۱۱$ ). ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهند که سبک‌های دل‌بستگی ایمن و اجتنابی می‌توانند واریانس متغیر وظیفه‌شناسی دانشجویان را به صورت معنی‌دار تبیین کنند. ضرایب تاثیر سبک دل‌بستگی ایمن ( $B = -۰/۲۶۲$ ) و سبک دل‌بستگی اجتنابی ( $B = -۰/۴۳۰$ ) با توجه به آماره‌های  $t$  نشان می‌دهند که این دو متغیر به ترتیب با اطمینان ۹۹٪ و ۹۵٪ می‌توانند تغییرات مربوط به متغیر وظیفه‌شناسی را پیش‌بینی کنند؛ یعنی افزایش سطح سبک دل‌بستگی ایمن باعث افزایش وظیفه‌شناسی و افزایش سطح سبک دل‌بستگی اجتنابی باعث کاهش وظیفه‌شناسی می‌شود. این نتایج به منزله پاسخ مثبت به سوال دوم پژوهش در مورد رابطه سبک‌های دل‌بستگی ایمن و اجتنابی با وظیفه‌شناسی است.

جدول ۶. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون  
وظیفه شناسی بر سبک‌های دلستگی دانشجویان

SE	R <sup>2</sup>	R	P	F	Ms	df	SS	شاخص مدل
۷/۲۹	۰/۱۱	۰/۳۳۲	۰/۰۱	۹/۲۴	۵۰۱/۸۶۸	۳	۱۵۰۵/۶۰۴	رگرسیون
					۵۳/۱۶۴	۲۲۹	۱۲۱۷۴/۵۹۴	باقیمانده

  

P	t	Beta	SEB	B	شاخص متغیر
۰/۰۰۱	۱/۸۸۴	۰/۱۳۰	۰/۱۲۸	۰/۲۶۴	سبک دلستگی ایمن
۰/۰۳۲	-۲/۷۸۶	-۰/۲۰۸	۰/۲۵۴	-۰/۴۳۰	سبک دلستگی اجتنابی
۰/۰۶۴	-۱/۸۷۴	۰/۱۲۴	۰/۰۹۸	-۰/۱۸۴	سبک دلستگی دوسوگرا

### بررسی و تفسیر نتایج

نتایج پژوهش نشان داد که سبک دلستگی ایمن با بعد برونگرایی شخصیت همبستگی مثبت دارد. همچنین این نتایج نشان داد که سبک دلستگی ایمن می‌تواند تغییرات مربوط به برونگرایی را به صورت معنی‌دار پیش‌بینی کند. این یافته‌ها که با نتایج پژوهش‌های قبلی (بانک، ۱۹۹۷؛ شیور و برنان، ۱۹۹۲) مطابقت می‌کنند بر حسب چند احتمال تبیین می‌شوند:

۱. برونگرایی، به ویژه طبق تعریف مدل پنج‌عاملی شخصیت، بر حسب گرایش‌بهرسرمایه‌گذاری علاقه و انرژی بر اشخاص و اشیاء (جهان بیرونی) به جای فعالیت‌های ذهنی و شخصی (درونی)، جمع‌گرایی، محبت و صمیمیت، معاشرت و مشارکت، فعالیت و قاطعیت، برقراری روابط فعال و پویا با ابراز احساسات و تجربه هیجان‌های مثبت مشخص می‌شود. مدل‌های درون‌نگاری ایمن که در چارچوب روابط دلستگی نوزاد - مادر شکل می‌گیرند از طریق استقرار روان‌سازه‌ها و بازخوردهای بنیادین مثبت نسبت به مادر (و سپس دیگران)، زمینه‌های برونگرایی و مشخصه‌های مرتبط با آن را در افراد دارای سبک دلستگی ایمن فراهم می‌سازند.

۲. متقابلاً می‌توان چنین فرض کرد که ویژگی‌های برونگرایی مانند سرمایه‌گذاری بر اشخاص و اشیاء، جمع‌گرایی، محبت و صمیمیت و مشارکت فعال در روابط بین شخصی، بر پویایی مدل‌های درون‌نگاری ایمن و تقویت روان‌سازه‌ها و بازخوردهای مثبت تأثیر

می‌گذارند. این وضعیت که محصول پس‌خوراند برون‌گرایی به مدل‌های درون‌کاری محسوب می‌شود، به نوبه خود می‌تواند گسترش و تعمیق ویژگی‌های برون‌گرایی را در پی داشته باشد.

۳. تبیین ساده دیگر همبستگی سبک دلبستگی ایمن و برون‌گرایی را می‌توان در وجه مشترک دو متغیر جست و جو کرد. برون‌گرایی ترجمان احساس امنیت روان‌شناختی در قلمرو روابط بین شخصی است؛ احساسی که دلبستگی ایمن اساساً و در نوزادی بر مبنای آن در چارچوب رابطه نوزاد مادر شکل می‌گیرد و در مراحل بعدی تحول گسترش می‌یابد و به صورت برون‌گرایی ظاهر می‌شود.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با بعد همسازی دانشجویان همبستگی مثبت دارد. این یافته که با یافته‌های شیور و برنان (۱۹۹۲) مطابقت می‌کند می‌تواند برحسب چند احتمال تبیین شود:

۱. همسازی بعدی از تمایلات بین فردی است که در آن اعتماد به دیگران، صمیمیت، خوش‌بینی و بی‌ریایی از مشخصه‌های مهم هستند. بنابراین می‌توان فرض کرد که مدل‌های درون‌کاری ایمن که در چارچوب روابط دلبستگی نوزاد - مادر شکل می‌گیرند از طریق استقرار روان‌سازه‌ها و بازخوردهای بنیادین مثبت نسبت به مادر (و سپس دیگران)، زمینه‌های همسازی و مشخصه‌های مرتبط با آن را در افراد دارای سبک دلبستگی ایمن فراهم سازند.

۲. همچنین می‌توان فرض کرد که ویژگی‌های همسازی مانند اعتماد به دیگران، صمیمیت، خوش‌بینی و بی‌ریایی در روابط بین شخصی، بر پویایی مدل‌های درون‌کاری ایمن و تقویت روان‌سازه‌ها و بازخوردهای مثبت تأثیر می‌گذارند. این وضعیت که محصول پس‌خوراند همسازی به مدل‌های درون‌کاری محسوب می‌شود، به نوبه خود می‌تواند در تعمیق و گسترش ویژگی‌های همسازی نقش داشته باشد.

۳. از آنجا که همسازی بعدی از شخصیت است که بر تمایلات بین شخصی تأکید دارد؛ در نتیجه انتظار می‌رود که با سبک‌های دلبستگی که اساساً متغیری رابطه‌ای است همبستگی معنی‌داری داشته باشند.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) با بعد نوروگرایی شخصیت همبستگی مثبت دارند و می‌توانند به صورت معنادار تغییرات مربوط به نوروگرایی را پیش‌بینی کنند.

این یافته‌ها که با نتایج پژوهش (شیور و برنان، ۱۹۹۲) مطابقت می‌کنند برحسب چند احتمال تبیین می‌شوند:

۱. تمایل به تجربه هیجان‌های منفی، اضطراب، پرخاشگری، افسردگی، منفی‌نگری، نکانشوری و آسیب‌پذیری در موقعیت‌های استرس‌زا از ویژگی‌های اصلی نوروژگرای محسوب می‌شوند. مدل‌های درون‌کاری نایمن که در چارچوب روابط دلستگی نوزاد - مادر شکل می‌گیرند و با مشخصه‌های اجتنابگری و دوسوگرایی در روابط بین شخصی توصیف می‌شوند، از طریق استقرار روان‌سازه‌ها و بازخوردهای بنیادین منفی نسبت به مادر (و سپس دیگران) زمینه‌های نوروژگرای و ویژگی‌های مرتبط با آن را در فرد دارای سبک دلستگی ناایمن فراهم می‌سازند.

۲. متقابلاً می‌توان چنین فرض کرد که ویژگی‌های نوروژگرای مانند تمایل به تجربه هیجان‌های منفی در روابط بین شخصی، بر پویایی مدل‌های درون‌کاری نایمن و تقویت روان‌سازه‌ها و بازخوردهای منفی تأثیر می‌گذارند. این وضعیت که محصول پس‌خوراند نوروژگرای به مدل‌های درون‌کاری است به نوبه خود می‌تواند گسترش و تعمیق ویژگی‌های نوروژگرای را در پی داشته باشد.

تیین ساده‌دیگر برای همبستگی سبک‌های دلستگی اجتنابی و دو سوگرا با نوروژگرای را می‌توان در وجه مشترک متغیرهای مذکور جست و جو کرد. نوروژگرای به منزله احساس ناامنی روانشناختی در قلمرو روابط بین شخصی است؛ احساسی که سبک دلستگی نایمن اساساً و در نوزادی بر مبنای آن در چارچوب رابطه نوزاد - مادر شکل می‌گیرد و در مراحل بعدی تحول گسترش می‌یابد و به صورت نوروژگرای ظاهر می‌شود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های دلستگی نایمن با بعد برونگرایی شخصیت همبستگی منفی دارند و سبک دلستگی نایمن اجتنابی می‌تواند تغییرات مربوط به برونگرایی را به صورت معنی‌داری پیش‌بینی کند. این یافته‌ها که با یافته‌های شیور و برنان (۱۹۹۲) و موریرا و همکاران (۱۹۹۸) مطابقت می‌کنند، برحسب چند احتمال تبیین می‌شوند:

۱. افراد ناایمن مدل‌های درون‌کاری منفی از خود و دیگران را در چارچوب روابط دلستگی با مادر شکل می‌دهند. این مدل‌های درون‌کاری از طریق استقرار روان‌سازه‌ها و بازخوردهای بنیادین منفی نسبت به مادر (و سپس دیگران) زمینه‌های برونگرایی پایین را در افراد دارای سبک دلستگی اجتنابی فراهم می‌کند.

۲. متقابلاً می‌توان چنین فرض کرد که ویژگی‌های برونگرایی پایین مثل انزوا و عدم مشارکت فعال در روابط بین شخصی، بر پویایی مدل‌های درون‌کاری نایمن و تقویت روان‌سازه‌ها و بازخوردهای منفی تأثیر می‌گذارند. این وضعیت که محصول پس‌خوراند

برونگرایی پایین به مدل‌های درونکاری محسوب می‌شود. به نوبه خود می‌تواند گسترش و تعمیق ویژگی‌های برونگرایی پایین را در پی داشته باشد. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که سبک دلستگی دوسوگرا با وظیفه‌شناسی همبستگی منفی دارد. این یافته که با یافته‌های شیور و برنان (۱۹۹۲) مطابقت می‌کند، برحسب احتمال زیر تبیین می‌شود:

وظیفه‌شناسی بعدی از شخصیت است که با اطمینان، اراده، سخت‌کوشی، هدفمندی و نظم و دقت مشخص می‌شود. از آنجا که افراد نایمن مدل‌های درونکاری منفی را در مورد خود و دیگران طی رابطه اولیه با مادر شکل می‌دهند، انتظار می‌رود که مشکل ارتباطی آنها در آینده بر ویژگی‌هایی که زیر مقیاس‌های این بعد شخصیتی هستند تأثیر منفی بگذارد و موجب پایین بودن وظیفه‌شناسی در افراد نایمن گردد.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که سبک دلستگی اجتنابی با همسازی دانشجویان همبستگی منفی دارد و می‌تواند تغییرات مربوط به همسازی را به صورت معنی‌دار پیش بینی کند. این یافته که با یافته‌های شیور و برنان (۱۹۹۲) مطابقت می‌کند، برحسب احتمال زیر تبیین می‌شود:

۱. همسازی بعدی از تمایلات بین فردی است که در آن اعتماد به دیگران، صمیمیت، خوش‌بینی و بی‌ریایی از مشخصه‌های مهم هستند. بنابراین می‌توان فرض کرد که مدل‌های درونکاری نایمن که در چارچوب روابط دلستگی نوزاد - مادر شکل می‌گیرند از طریق استقرار روان‌سازه‌ها و بازخوردهای بنیادین منفی نسبت به مادر (و سپس دیگران)، زمینه‌های همسازی پایین و مشخصه‌های مرتبط با آن که مهم‌ترین آنها عدم اعتماد است را در افراد دارای سبک دلستگی اجتنابی فراهم می‌آورد.

۲. همچنین می‌توان چنین فرصت کرد که ویژگی‌های همسازی پایین مانند عدم اعتماد به دیگران، انزوا طلبی و بدبینی در روابط بین شخصی، بر پویایی مدل‌های درونکاری نایمن و تقویت روان‌سازه‌ها و بازخوردهای منفی تأثیر می‌گذارند. این وضعیت که محصول پس‌خوراند همسازی به مدل‌های درونکاری محسوب می‌شود، به نوبه خود می‌تواند در تعمیق و گسترش ویژگی‌های همسازی پایین نقش داشته باشد.

۳. از آنجا که همسازی بعدی از شخصیت است که بر تمایلات بین شخصی تأکید دارد، انتظار می‌رود که با سبک‌های دلستگی که اساساً متغیری رابطه‌ای است همبستگی معنادار داشته باشد.

نتایج این پژوهش می‌تواند از یک چشم‌انداز دیگر هم مورد توجه قرار گیرد. کاسا و مک کری (۱۹۹۲) پنج عامل اساسی شکل دهنده شخصیت را به عنوان تمایلات ذاتی مطرح کرده‌اند. از سوی دیگر، دلبستگی به عنوان متغیری که اساساً در چارچوب روابط مادر - کودک شکل می‌گیرد، بیشتر جنبه محیطی دارد. اما چطور ممکن است متغیری که اساساً ارثی است با متغیری که بیشتر جنبه محیطی دارد رابطه داشته باشد؟ جدیدترین مطالعاتی که در حوزه پنج عامل اساسی شخصیت انجام گرفته‌اند به تأثیرپذیری عوامل اساسی شخصیتی از عوامل محیطی اشاره کرده‌اند (آسندروف و ون آکن، ۲۰۰۳). نتایج این مطالعات که با استفاده از جدیدترین و دقیق‌ترین روش های علمی مثل مطالعات دوقلوها و فرزند خواندگی انجام گرفته‌اند نشان می‌دهد که ژنتیک فقط ۵۰ درصد واریانس عوامل اساسی شخصیت را تبیین می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی با عوامل شخصیتی همبستگی دارند. البته بسیار ساده انگاری است اگر بخواهیم در مورد رابطه علی بین این دو متغیر قضاوت کنیم. شاید بهترین رویکرد برای تبیین این یافته‌ها رویکردی باشد که در فرایند تاریخی بحث‌های مربوط به وراثت و محیط به جای تأکید بر اهمیت نقش یک متغیر علیه متغیر دیگر و یا اصرار بر تعیین میزان تأثیر یک متغیر در برابر متغیر دیگر به نحوه تعامل این دو متغیر و تأثیرگذاری آنها بر هم بیشتر توجه می‌کند. در شکل‌گیری شخصیت عوامل ارثی و محیطی از بدو تولد در هم تنیده‌اند. شخصیت اولیه افراد پاسخ‌های مشخصی را در دیگران ایجاد می‌کند. نوزادی که دوست ندارد بغل گرفته شود، نسبت به نوزادی که دوست دارد بغل گرفته شود توجه کمتری را از جانب والدین بر می‌انگیزاند. کودکان آرام روش فرزندپروری کمتر کنترل‌کننده‌تری را نسبت به کودکان پرخاشگر فرا می‌خوانند. در واقع شخصیت کودک می‌تواند روش فرزندپروری والدین را شکل دهد و آن هم به نوبه خود باعث شکل گرفتن شخصیت کودک گردد. این نوع تعامل در مراحل بعدی زندگی هم به فراوانی رخ می‌دهد: افراد خوش برخورد محیط‌های خوشایند را می‌آفرینند و افراد دارای خصومت محیط‌های خصومت‌بار را بوجود می‌آورند. هنگامی که کودکان بزرگتر شدند می‌توانند از محیطی که والدین برای آنها ساخته‌اند خارج گشته و شروع به انتخاب و ساختن محیط خودشان بکنند و محیطی که آنها می‌سازند به نوبه خود بر شخصیتشان اثر می‌گذارد (آیزنک، ۲۰۰۰).

#### مأخذ

بشارت، محمد علی (۱۳۷۹). «هنجاریابی مقیاس دلبستگی». گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.

بروین، ال. آی. و جان، ا. بی. (۱۳۸۱). شخصیت: نظریه و پژوهش. ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: آیتز

حق شناس، حسن (۱۳۷۸). "هنجاریابی آزمون شخصیتی نو(فرم تجدید نظر شده)". اندیشه و رفتار، ۲۸، ۴۷-۳۸.

کیامهر، جواد. (۱۳۸۱). "هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی NEO – FFI و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تاییدی) در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

گروسی فرشی، میرتیقی (۱۳۷۷). "هنجاریابی آزمون شخصیتی NEOPI-R و بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران". پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

Ainsworth, M. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A psychological Situation*. Hillsdale, NJ : Lawrence Erlbaum.

Asendorpf, J. B., & Van Aken, M. A. G. (2003). Personality - relationship transaction in adolescence : core versus surface personality characteristics. *Journal of Personality*, 71, 630 - 666.

Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss : attachment*. New York : Basic Books.

Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss : seperation*. New York : Basic books.

Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss: sadness and depression*. New York: Basic Books.

Bunk, B. P. (1997). "Personality, birth order and attachment styles as related to various types of jealousy". *Personality and Individual Differences*, 23 (6), 997 – 1006.

Coopersmith, S. (1967). *The Antecedents of Self-Esteem*. San Francisco: Freeman.

Costa, P. T. Jr., & McCrae, R. R. (1992). *Professional Manual*. NEOPI – R and NEO – FFI Psychological Assessment Resources, Inc.

Fysenck, W. M. (2000). *Psychology : a Student's handbook*. Hove, UK : Psychology Press.

Goldsmith, H. H., & Alansky, J. A. (1987). "Maternal and infant temperamental predictors of attachment : A meta – analytic study". *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 55, 805 -- 816.

- Hazan, C., & shaver, P. R. (1987). "Romantic love conceptualized as an attachment process". *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511 – 524.
- Kerjais, R. V., & Morgan, D. W. (1970). "Determining sample for research activities". *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- Lyddon, W. J. and Sherry, A. (2001). "Developmental personality styles : An attachment theory conceptualization of personality disorders". *Journal of Counseling and Development*, 79, 405 – 415.
- McCrae, P. R., Costa, P. T. Jr., & Bush, C. M. (1986). "Evaluating comprehensiveness in personality systems: The California Q – Set and the five factor model". *Journal of Personality*, 54, 430 – 446.
- McCrae, R. R., and Costa, T. P. (1999) *A five – factor theory of personality. Handbook of personality*. New York.. Guilford.
- Shaver, P. R., & Brennan, K. A. (1992). "Attachment styles and the "Big Five" personality traits". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, 536 – 545.